

نقش گروه‌های مرجع در آینده علویان ترکیه و چالش‌های پیش‌رو

مهدی جعفری‌پناه^۱

چکیده

گستره‌ی جمعیتی و جغرافیایی علویان در جهان زیاد و در عین حال، دارای پراکندگی است، ولی همواره این ظرفیت بالقوه دارای اهمیت بوده است. در این مقاله، سعی شده علویان ترکیه را مورد بحث قرار گیرد. علویان این کشور با جمعیت قابل اعتنایی که دارند همواره از گروه‌های تاثیرگذار در کشور ترکیه بوده و هستند. اگر چه حیات سیاسی، اعتقادی و دینی آنها، همواره، دارای فراز و نشیب بوده است، ولی می‌توان اذعان نمود که علویان، امروزه نیز در همه‌ی شئون به صورت بالقوه می‌توانند مؤثر واقع شوند. این پرسش مطرح است که نقش گروه‌های مرجع در آینده‌ی علویان ترکیه چیست و چه چالش‌هایی آن را تهدید می‌نماید؟ یافته‌ی مقاله نشان‌دهنده‌ی آن است که ظرفیت‌ها، تهدیدات و فرصت‌های علویان را باید در مورد نقش گروه‌های مرجع مورد بررسی قرار داد. به طور کلی، شش گروه مرجع در علویان طرح می‌شود، مانند مرجعیت سیاسی- فرهنگی، علمی، اعتقادی، شفاهی و عرفانی- اخلاقی و دینی- مذهبی. البته گروه‌های مرجع در مقام اجرا با چالش‌هایی روبه‌رویند، ولی به

^۱ . دکترای روابط بین‌الملل و پژوهشگر همکار گروه مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی.

نظر می‌رسد می‌توان با ارتقای بینش، تعاملات آموزشی و آگاهی‌های علمی، از ظرفیت‌های علویان برای توانمندسازی و ارتقای جایگاه آنها و آگاهی از هویت اصیل اعتقادی، دینی، اخلاقی و سیاسی استفاده نمود. در این مقاله سعی شده به صورت مستدل و علمی، مبتنی بر روش توصیفی، تحلیلی و از نوع اسنادی به تبیین این مساله بپردازیم.

کلمات کلیدی: علویان، علویان ترکیه، باطنی‌گری، گروه‌های مرجع.

مقدمه

در ترکیه گروه‌های مرجع زیادی بین علویان وجود دارد که هر کدام می‌توانند در آینده آنها تاثیرگذار باشند. در این مقاله سعی گردیده با تفکیک گروه‌های مرجع، ظرفیت‌های علویان مورد بررسی و به نقش آنها در آینده علویان ترکیه بپردازد. شاید بتوان در وهله اول مهمترین گروه مرجع و تاثیرگذار در نزد علویان ترکیه را رهبران علوی دانست، آنها به لحاظ نسبی باید به اهل بیت پیامبر ﷺ برسند و از سادات باشند، به همین سبب دده‌ها که از روحانیان و رهبران علوی خوانده می‌شوند، غالباً از سادات هستند، علاوه بر دده‌ها، باباها نیز از گروه‌های مرجع و تاثیرگذار در جریان علوی - بکتاشی محسوب می‌گردند. هر چند دده‌ها نهاد یا سازمان مشخصی در ترکیه ندارند، ولی مهم‌ترین گروه‌ها و سازمان‌های علوی هستند که در مباحث و موضوعات سیاسی، دینی و اجتماعی علویان ترکیه نقش ایفا می‌کنند.

در ترکیه، مؤسسات و بنیادهایی هستند که فعالیت‌های زیادی در حوزه‌ی علویان دارند. برخی از رهبران علوی این مؤسسات ترکیه عبارت‌اند از: عزالدین دوغان، علی کنان اوغلو، کمال قلیچدار اوغلو، ولی‌الدین اولوسوی، علی مراد ایرات، ارجان گچ مز، رئیس بنیاد فرهنگی آناتولی، حاجی بکتاش ولی، کمال بلبل، رئیس انجمن فرهنگی پیر سلطان ابدال، چتین کایا، رییس بنیاد، حاجی بکتاش ولی، طارق چی من، رئیس مؤسسه‌ی چهارباب و چهل مقام و... البته برخی از سازمان‌های علوی مانند کنفدراسیون اتحادیه‌های علویان اروپا، خارج ترکیه هستند و بر تحولات ترکیه تأثیر دارند.

با وجود تأثیرگذاری دده‌ها و برخی اشخاص و نهادهای علوی، به نظر می‌رسد باید دنبال گروه‌ها و مراکز مبنایی‌تر و اساسی‌تری بود که توانایی تحول در وضعیت علویان را داشته باشند؛ از این رو، در این مقاله درصدد هستیم نقش و تأثیرگذاری گروه‌های مرجع را در شش حوزه‌ی اعتقادی، سیاسی و فرهنگی، شفاهی، عرفانی، اخلاقی و دینی مورد کند و کاو قرار داده، بدان بپردازیم. بدون تردید، تأثیرگذاری شش مرجع

مذکور به دلیل فقدان افراد و گروه‌های مستقل، قوی و تأثیرگذار، موجب پراکندگی و تشتت علویان در بسیاری از موضوعات و مسائل اجتماعی و فرهنگی گردیده است. چالش دیگر گروه‌های مرجع، نبود متون و منابع استنادپذیر در خصوص علویان است. به طور کلی، چهار عامل مهم، یعنی فقدان رهبری واحد، نبود نهاد یا سازمان تأثیرگذار، فقدان منابع و متون معتبر و و نیز نبود آموزش‌های درست به دلیل مسلک عرفانی و باطنی‌گری علوی، از چالش‌های مهم علویان به شمار می‌رود که در این مقاله در ذیل مرجعیت‌های ششگانه به چالش‌ها خواهیم پرداخت.

بدون تردید برای تحقق آینده سیای روشن و تأثیرگذار نقش گروه‌های مرجع باید تقویت مرجعیت سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، عرفانی، دینی و اخلاقی را در پی داشته باشد و به نظر می‌رسد مهمترین فاکتور برای تحقق این امر آن است که به علویان بینش معرفتی و علمی داد تا بتوان به هر یک از مرجعیت‌های مطرح عینیت ببخشد.

۱- نگاهی به علویان

۱-۱. مفهوم‌شناسی (علوی)

علوی در لغت به معنای کسی گویند که منسوب به حضرت علی علیه السلام است و در اصطلاح نیز به کسی گفته می‌شود که آن حضرت را بر سه خلیفه دیگر ترجیح می‌دهد. (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۱) علویان بخشی از مسلمانان جهان هستند که نزدیک به چهل میلیون نفر را شامل می‌شوند و از نظر جغرافیایی، در قاره‌ی آسیا و اروپا هستند که بیشتر در ترکیه، حوزه‌ی بالکان - آلبانی، بلغارستان، بوسنی، کوزوو و سوریه حضور دارند. علویان دارای اعتقادات شیعی بوده ولی در شریعت قائل به انجام مناسک دینی نیستند و بر باطنی‌گرایی تأکید دارند. (شهبازی، ۱۳۸۲: ۷۷)

در علت نامگذاری علویان به این نام دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد، برخی معتقدند که چون از دوستداران و منسوبان به حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می‌باشند، آنها را علویان می‌خوانند. بعضی بر این نکته تأکید دارند که دولت عثمانی برای جدایی بین شیعیان در عثمانی با شیعیان ایران از عنوان علویان برای شیعیان ترکیه

و سوریه بهره برده است. برخی در سال‌های اخیر علویان را جدای از شیعیان و در برابر شیعه قرار داده‌اند، بطوری که خطری که این روزها هویت فرهنگی و دینی جمعیت علویان را نشانه گرفته‌اند و همانند زمان عثمانی و صفویه که دولت عثمانی، وقتی دید نمی‌تواند با صفویان مقابله کند، شروع به تغییر هویت دینی علویان کرد و آنان را به قرمطی و نصیری بودن متهم کرد، امروز نیز دولت‌هایی چون سعودی در تلاش‌اند تا علویان را چنین جلوه دهند و آنان را این‌گونه از بین ببرند. اما به طور کلی می‌توان گفت که علوی یک اصطلاح عمومی است و غالباً به همه شیعیانی اطلاق می‌شود که از علی علیه السلام متابعت می‌کنند و معتقدند او وارث و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رهبری جامعه مسلمانان می‌باشد. (جمالی فر، ۱۴۳۷ق، ص ۲۶۶)

علویان و شیعیان در بسیاری امور نظیر احکام، عبادات، معاملات و... مانند شیعه می‌باشد مگر در دو مساله که عبارتند از: طریقت جنبلائیه: یک: پیروی و مطابقت از ابو محمد عبدالله جنبلانی که از روسای کبیرشان است. او از عراق به مصر رفت و بعد از تکمیل طریقت صوفی گری، احکام و فلسفه و علوم نجوم و هیئت و... را از طریق صوفیانه مطرح کرد. دو: عقیده به باب که معتقدند که هر یک از ائمه ع دارای بابی بودند که برای شناخت آن، باید از این در وارد شد، مثلاً: امیرالمؤمنین علیه السلام خود باب شهر علم نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. و باب امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمان فارسی می‌باشد. (سبحانی، ج ۸، ۱۳۷۸، ۴۱۱ - ۴۱۳، به نقل از تاریخ العولیین، ص ۲۰۸) که در حقیقت این موارد نیز مردود شناخته شده‌اند و به آنها قائل نیستند.

علیرغم وجود نظریات مختلف در مورد علویان، اما قدر متیقن این است که آنها خود را شیعه دوازده امامی می‌دانند و برای امام علیه السلام در مباحث اعتقادی جایگاه ویژه‌ای قائل هستند، به گونه‌ای که مباحث اصولی آنان بر محور امام علیه السلام تنظیم گردیده است. با این حال، علویان با بسیاری از شیعیان دیگر و به ویژه شیعیان دوازده امامی در مناسک مذهبی دارای فرق‌های چشمگیری هستند که این امر می‌تواند عامل جدایی دورافتادگی و جدایی آنها از معارف اهل البیت علیهم السلام باشد. این دورافتادگی و انزواگرایی

یا به تعبیری، ایام آل محمد ﷺ بودن، متأثر از عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی است، مانند ترکیب اعتقادات علویان با عقاید مذاهب دیگر. از سوی دیگر، در گذر زمان و حوادث ناگوار دوره‌ی حکومت عثمانی پیش‌روست؛ در آن دوران، با فتوای علمای اهل سنت، علویان به کفر متهم گردیدند و کشتن آنها را واجب دانستند و کشتار دسته‌جمعی علویان رخ داد، علمای علوی کشته شدند و منابع علمی و فرهنگی علویان ممنوع گشت، به گونه‌ای که مساجد آنها تعطیل و فروش قرآن به علویان نیز ممنوع گردید. همه‌ی این مسائل منجر به جداسازی علویان از جامعه‌ی عثمانی در همه‌ی ابعاد گردید و برخی علویان به کوه‌ها پناهنده شدند، برخی تقیه نمودند و برخی مهاجرت را برگزیدند (رضایی و همکاران: ۷۵).

حضور علویان چه در کشورهای حوزه‌ی بالکان و آلبانی و چه در سوریه و ترکیه، به چند جهت دارای اهمیت است: اولاً از نظر موقعیت سوق‌الجیشی و ژئوپلیتیکی این کشورها؛ کشورهای بالکان و ترکیه را دروازه و پل ارتباطی ورود به اروپا می‌دانند و موقعیت سوریه در شامات، محل ارتباط و پیوند سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا است و از سوی دیگر، این کشور بخش مهمی از منطقه‌ی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا به شمار می‌رود که در همسایگی فلسطین اشغالی، لبنان و ترکیه و عراق (اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه) قرار دارد. ثانیاً نحوه‌ی تعامل علویان در جوامع چندفرهنگی متشکل از اقوام، آیین‌ها و ادیانی مانند مسیحیان، اهل سنت و... و زندگی مسالمت‌آمیز با آنان، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲-۱. علویان ترکیه

علویان که از هشت قرن پیش به سرزمین آناتولی مهاجرت کرده‌اند، برخی پیش و برخی پس از حکومت عثمانی این مهاجرت را انجام داده‌اند که در مجموع بیش از یک چهارم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در واقع می‌توان گفت علوی‌گری علویان پس از مسلمان شدن ترکمنها شروع گردید آنها زندگی کوچی داشتند و پس از اینکه مسلمان شدند مانند دیگر اقوام برخی از آداب و رسوم خود را حفظ کردند.

ترکمن‌ها از قرن یازدهم میلادی به آناتولی مهاجرت کردند و در این سرزمین، با دیگر تمدن‌ها آشنا شدند. آنها در حکومت عثمانی، با مجاهدت‌های بسیار توانستند خود را حفظ کنند و امروزه، اقلیت در توجیهی در ترکیه هستند. (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۶) امروزه، علویان ترکیه در مقایسه با بیشتر مسلمانان، شیعیان و نصیری‌ها از نظر اقتصادی از مکتب مالی بهتری برخوردار هستند. آنها بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی را در دست دارند. (واحدی، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۷۳ به نقل از: مقدم، ۱۳۹۶: ۲۰)

بیشتر علویان ترکیه با عقاید شیعیان ناآشناوند و از اشتراکاتی که با شیعیان دارند، بی‌خبر هستند. این موضوع می‌تواند عوامل گوناگونی داشته باشد. شاید بتوان نگاه منفی عثمانی‌ها به علویان را مهم‌ترین مؤلفه نام برد، زیرا امپراتوری عثمانی آنان را رافضی و خارج از دین می‌دانست و همچنین ستون پنجم ایران در زمان صفویان برمی‌شمرد. عثمانی‌ها با علویان رویارویی مذهبی و سیاسی داشتند و به همین سبب، سلطان سلیم به کشتار یکباره‌ی حدود بیست‌هزار تن از علویان دست زد. بدون تردید، اگر امروزه نیز علویان بخواهند خود را مطرح نمایند و بر هویت اصیل خود، یعنی شیعه‌گری تأکید ورزند، حاکمیت ترکیه در برابر آنها موضع خواهد گرفت.

علویان، که پس از سال ۱۹۲۳م و تشکیل ترکیه‌ی جدید، همگام با سیاست‌های آتاتورک گام برمی‌داشتند و همواره از آن سیاست‌ها حمایت می‌کردند، به طور سنتی در طبقه‌بندی لائیک به شمار می‌روند (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۲۶). اگر چه بسیاری معتقدند که ظلم شاهان عثمانی سبب این سیاست و موضع‌گیری علویان در طرفداری از آتاتورک و سیاست‌های سکولاریستی وی بوده است. در واقع معتقد هستند که علویان با حمایت از آتاتورک و تأیید سیاست‌های وی، درصدد آزادی‌های سیاسی و مذهبی خود و خواهان دولتی بودند که به عقاید و مذهب آنها حساسیتی نداشته باشند و این امر سبب شد شیعیان و علویان در کنار دولت لائیک با هم باشند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶ و اکبری، ۱۳۹۲: ۲۱۴).

۱-۳. جمعیت علویان ترکیه

ترکیه به لحاظ جمعیت مذهبی، دارای اقلیت‌های زیادی است که مهمترین آنها عبارتند از: سنی حنفی، کردهای شافعی و علوی است، عرب‌ها و آذری‌های شیعه هستند. در مورد آمار دقیق جمعیت علویان نمی‌توان عدد مشخصی ارائه نمود. اختلاف آمار و تناقض در آن بسیار زیاد است به نحوی که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد این آمار در این آمار متغیر وجود دارد. (مرادیان، ۱۳۸۴: ۷۶؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶: ۳۵ و رضایی و دیگران، ج ۳، ۱۳۹۴: ۲۱۷) اما بسیاری از آمان معتقد هستند که از جمعیت ۸۰ میلیونی ترکیه چیزی حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر علویون هستند (رضوانی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۵۲) که در شهرهای مختلف ترکیه زندگی می‌کنند. آنکارا که پایتخت ترکیه محسوب می‌گردد تقریباً ۲۵ درصد علوی زندگی می‌کند. (Türkdoğan, ۱۹۹۵: ۲۹-۲۰, Üzümlü & ۱۹۹۷: ۲۲-۲۰ به نقل از: پیروزفر، ۱۳۹۹: ۳۷۴)

یک نکته مهم در مورد جمعیت علوی در ترکیه وجود دارد و آن پراکندگی جمعیتی است که سبب شده نتوانند به عنوان یک جریان حاکم و مسلط در ترکیه مطرح گردد. آنها نسبت به سازش و یا تعارض با سیاست‌ها و گفتمان مسلط بر ترکیه همواره به صورت ناپایدار و نامنظم عمل نموده به نحوی که گاهی راه تعامل و گاهی راه سازش را انتخاب کردند.

علویان در ترکیه دارای دو شاخه‌ی علوی آناتولی و علوی عرب‌زبان هستند. تعداد علویان عرب‌زبان بسیار کم است و علویان آناتولی بیشتر ترک‌زبان و کردزبان‌اند. درصد در خور توجهی از علویان ترکیه کُرد و بقیه عمدتاً ترک هستند. علویان عرب‌زبان، نصیری هستند و باطنی‌گرایی در آنها قوی‌تر است، ولی علویان ترک و کرد به شیعیان جعفری نزدیک‌تر هستند. در فرهنگ ترکیه به علویان نام‌های مختلفی اطلاق شده است که اولین این نام‌ها بکتاشیه، پیروان طریقت حاجی بکتاش، ولی خراسانی است. اما از آنجاکه میان بکتاشیان شهرنشین و روستایی تفاوت‌هایی وجود دارد، در ترکیه به علویان روستایی «علوی» و به علویان شهری «بکتاشی» گفته می‌شود.

با وجود آنکه علویان و بکتاشیان مستقل از هم هستند، امروزه، از نظر تاریخی و اجتماعی، مطرح کردن استقلال آنها از یکدیگر ممکن نیست. اعتقادات علویان با بکتاشیان یکی است. آنها از نظر ادبیات، مبانی اخلاقی و عقیده، تفاوت بنیادینی با یکدیگر ندارند و اصولشان نیز مشترک است. تفاوت اساسی آنها یک فرق اجتماعی است و آن اینکه؛ بکتاشیان غالباً در شهر زندگی می‌کرده‌اند و علویان، زندگی کوچ‌نشینی و نیمه کوچ‌نشینی داشته‌اند.

از این رو، بکتاشیان گروهی سازمان‌یافته‌اند، ولی علویان، که در روستاها زندگی می‌کنند، هنوز کم و بیش غیرسازمان‌یافته‌اند. علویان به اسطوره‌هایی معتقدند که در آنها افسانه‌هایی با فرهنگ محلی آمیخته شده است. نکته‌ی دیگر شایان توجه این است که ورود به طریقت بکتاشی برای همه‌ی افراد ممکن است، ولی جامعه‌ی علویان، بسته است و غیرعلویان را در بین خود نمی‌پذیرد.

به عبارت دیگر، علوی شدن ارثی است و اگر کسی علوی به دنیا نیاید، نمی‌تواند علوی باشد، ولی بکتاشی شدن اکتسابی (اختیاری) است و هر کسی که بخواهد، می‌تواند بکتاشی شود. سید بودن «دده» در میان علویان شرط است، ولی در بکتاشیه، برای «بابا» شدن نیازی به سید بودن نیست. امروزه در ترکیه واژه‌های «علوی» و «بکتاشی» با یکدیگر بسیار گره خورده‌اند و به صورت «علوی - بکتاشی» به کار می‌روند. (جمالی‌فر، دی و بهمن ۱۳۹۱، ۴۸، ۵۰)

۲- گروه‌های مرجع و تهدیدات و چالش‌های آن:

گروه‌های مرجع به منظور شکل دادن به عقاید، باورها و نیز جهت چگونگی عملکردشان، خود را در مقایسه با دیگران مطرح می‌نمایند. هدف اصلی آنها ترسیم هویت جدید است. (کونن بروس، ۱۳۷۳: ۱۳۸) افراد و گروه‌ها برای آنکه بتوانند رفتار، هنجارها، عقاید، ارزش‌ها و ظواهر خود را در بوته‌ی صحت‌سنجی قرار دهند، نیازمند معیار و الگو هستند و گروه‌های مرجع می‌توانند این مرجعیت الگویی، رفتاری و عملی را در اختیار آنها قرار دهند. (قرانی مقدم، ۱۳۷۴: ۱۷۹-۱۷۶) در این بخش شش

گروه در بین علویان، مرجع هستند و سعی گردیده است ضمن تبیین آنها، برخی چالش‌ها و تهدیدات پیش‌روی آنها نیز مطرح گردد.

۱-۲. مرجعیت دینی و مذهبی

علویان از نظر دینی و مذهبی، آداب و رسوم مذهبی ویژه‌ای دارند. آنها دارای سه مراسم مشهور هستند که عبارت‌اند از: مراسم جمع یا جم، سماع و سوگ عاشورا. علویان همواره کوشیده‌اند نسل به نسل این شعائر و مراسم را زنده نگه دارند (جمالی‌فر، ۱۳۹۱: ۱۴۵-۱۶۵).

مراسم جمع، که یکی از مهمترین آداب و رسوم رایج در میان علویان محسوب می‌گردد، با ارکان دوازده‌گانه اجرا می‌گردد، برخی این ارکان دوازده‌گانه را ملهم از دوازده خدمتکار حضرت محمد و برخی آن را مستند به کسانی می‌دانند که در مدینه در بیعت عقبه با حضرت محمد علیه السلام بیعت نموده و بسیاری نیز آن را الهام گرفته از دوازده امام معصوم شیعیان ذکر می‌کنند. (اکبری، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۲۰۴) این دوازده رکن که در مراسم جمع، مطرح است عبارتند از مرشد، رهبر، دیده بان، چراغچی، ذاکر، فراش، میدانچی، قربانچی - نیازچی، سقا، آفتاب‌دار، پیک - پروانه و نگهبانان. (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۵-۱۵۶)

از دیگر آداب و رسوم علویان، مراسم سماع است، این مراسم، نمایشی است که همراه با ساز و پایکوبی و دست‌افشانی، به صورت فردی یا جمعی با تشریفات ویژه‌ای انجام می‌شود. مراسم سماع در داخل مراسم جمع صورت می‌پذیرد و در واقع جزئی از مراسم جمع به شمار می‌رود.

سوگ عاشور نیز یکی از مراسم مهم دینی و مذهبی علویان برشمرده می‌شود. این مراسم به صورت مفصل انجام می‌پذیرد و با روزه گرفتن و غسل کردن و اوراد ویژه مانند خواندن دعا قرآن همراه است. به طور کلی، محرم برای علویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آنها می‌کوشند در این ماه، برای امام حسین علیه السلام دوازده روز روزه و ماتم بگیرند، لباس نمی‌شویند و صورت نمی‌تراشند (علم حال بکتابی حیدر کایا:

در مراسم سوگواری عاشورا مرشد با ذکر صلواتی آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره را که به عقیده علویان، در مورد روز محرم است می‌خواند و پس از آن سوره آل عمران آیه ۶۱ آیه مباهله و از سوره احزاب آیه ۳۳ (آیه تطهیر) و سوره شورا آیه ۲۳ (آیه مودت) را خوانده تفسیر و ترجمه می‌نمایند. (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

شاید بتوان مهمترین چالش مرجعیت دینی - مذهبی علویان را نگاه سطحی آنها به مسائل دینی دانست. خلاصه نمودن دین به شعائر و مسائل ظاهری که نشأت گرفته از مسلک عرفانی و باطنی‌گری علویان دارد سبب شده آنها بدون شناخت حقیقی از دین و بدون عمل نمودن به واجبات فقهی قدم بردارند. (شهبازی، ۱۳۸۲: ۷۸) این امر سبب شده در طول دهه‌ها و قرن‌ها اصول و مبانی آنها به دلیل ادبیات شفاهی و عدم شناخت حقیقی به انحراف در اعمال و افکار منجر گردد.

یکی از مشکلات اساسی دیگر علویان در موضوع مرجعیت دینی و مذهبی، فقدان و نبود زعیم و بزرگ علوی است، این فقدان گروه‌ها و مرجعیت قوی سبب شده رهبری واحد در جامعه علوی ترکیه نداشته باشیم. به عنوان مثال وقتی به اسماعیلیه نظر می‌گردد می‌بینیم دارای امام و تشکیلاتی هستند و در حال حاضر امام چهل و نهم آنها زعامت و رهبری جامعه اسماعیلی را بر عهده دارد. اما این تشکیلات و رهبری در بین علویان نیست لذا شاهد اختلاف و تشتت در بین آنها هستیم و تا مرجعیت دینی بین آنها شکل نگیرد مشکلات آنها درست نخواهد شد.

یکی دیگر از گروه‌های مرجع در علویان منابع و متون دینی آنها می‌باشد. مراجعه به این متون می‌تواند راهگشای بنیادینی برای فهم بهتر باورهای علوی - بکتاشی باشد. از جمله متون علویان کتاب «ولایت نامه‌ی بکتاشی‌ها» که شرح مقامات و اوصاف حاج بکتاش ولی قطب اصلی این جامعه است و همچنین کتاب «فرمان قزلباشان» یا مجموعه نوشته‌های مذهبی علویان که از امامان شیعیان به ویژه منسوب به سخنان امام جعفر صادق علیه السلام است را می‌توان از منابع مهم آنان می‌توان برشمرد. این متون در

میان علویان بکتاشی مقدس شمرده می‌شود. (نواب و متقی، ۱۳۹۸: ۷۵) بنابراین کتابهایی که در زمینه «مناقب نامه» ها، «ولایت نامه» ها و فرامین هستند، ساختار اصلی متون مذهبی علویان- بکتاشیان را تشکیل می‌دهند. (ولی، ۱۳۸۸: ۶۶-۵۱)

۲-۲. مرجعیت علمی

یکی دیگر از گروه‌های مرجع در علویان منابع و متون دینی آنها می‌باشد. مراجعه به این متون می‌تواند راهگشای بنیادینی برای فهم بهتر باورهای علوی- بکتاشی باشد. از جمله متون علویان کتاب «ولایت نامه‌ی بکتاشی‌ها» که شرح مقامات و اوصاف حاج بکتاش ولی قطب اصلی این جامعه است و همچنین کتاب «فرمان قزلباشان» یا مجموعه نوشته‌های مذهبی علویان که از امامان شیعیان به ویژه منسوب به سخنان امام جعفر صادق علیه السلام است را می‌توان از منابع مهم آنان می‌توان برشمرد. این متون در میان علویان بکتاشی مقدس شمرده می‌شود. (نواب و متقی، ۱۳۹۸: ۷۵) بنابراین کتابهایی که در زمینه «مناقب نامه» ها، «ولایت نامه» ها و فرامین هستند، ساختار اصلی متون مذهبی علویان- بکتاشیان را تشکیل می‌دهند. (ولی، ۱۳۸۸: ۶۶-۵۱) قرآن کریم، فضیلت نامه‌ها، حدیقه السعدها، فتوت نامه‌ها، ارکان نامه‌ها نیز جزو متون در خور اعتنا و مهم علویان به شمار می‌رود که می‌تواند در گفتمان‌سازی جدید عرصه‌ی دانشی علوی، مرجعیت علمی به شمار رود.

متأسفانه، فقدان پژوهش و نبود بررسی دقیق درباره‌ی علویان، به ویژه در مورد متون اعتقادی آنها، یکی از دلایل ابهام در اعتقادات و رویکردهای علویان به شمار می‌رود و این امر مرجعیت علمی علویان را متزلزل نموده است. به طور کلی، می‌توان اذعان نمود که مرجعیت علمی علویان دارای مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای است که مهم‌ترین اقدام برای رفع آن می‌تواند تعاملات علمی در قالب آموزش باشد.

آموزش از چند جهت مهم است؛ از سویی، می‌تواند بستر ساز و تربیت‌کننده‌ی دانش‌آموختگان عالم و متخصص از درون جامعه‌ی علوی باشد و از سوی دیگر می‌تواند با ایجاد شرایط مساعد، به تعمیق بینش دینی علویان و مقابله با انحرافات

مذهبی و فکری آنان پردازد که این امر منجر به خودآگاهی و بیداری جامعه‌ی علوی و تعدیل در رفتار دینی و مذهبی علویان می‌شود.

حمایت و آموزش به علویان، یکی از مصادیق کمک به مستضعف و یکی از وظایف دینی و شرعی برشمرده می‌شود. برای تحقق این امر، جامعه‌المصطفی و مراکزی از این قبیل می‌توانند در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و با استفاده از ظرفیت نیشابور، مشهد و اردبیل، که جایگاه ویژه‌ای نزد علویان دارند، برای تحقق این امر اقدام نمایند. البته باید توجه داشت که هر گونه فعالیت مراکز ایرانی در ترکیه یا در مورد علویان در ایران، نباید حساسیت دولت ترکیه را برانگیزاند و یا حاکمیت آن کشور را خدشه‌دار نماید؛ از این رو، به دلیل حساسیت‌های دولت ترکیه و نیز ملاحظات آنکه علویان دارند، ضرورت دارد از حضور مستقیم و تحریک سیاسی و اعتقادی در تبلیغ، آموزش و مسائل دیگر خودداری گردد.

بدون تردید، برای موفقیت و کسب نتیجه در مرجعیت علمی علویان، باید به محتوای علمی و آموزشی توجه ویژه صورت گیرد. یکی از کارهایی که باید انجام شود، آن است که همه‌ی منابع علویان جمع‌آوری و آرا و عقاید آنان دسته‌بندی گردد و کتبی که مورد قبول بزرگان علوی است، کتاب درسی شود و برنامه‌های درسی نیز با مشورت آنان تدوین گردد. از آنجا که علویان به مباحث قرآنی و تفسیری، تاریخ سیره‌ی نبوی (صلی الله علیه و آله) و علوی (علیه السلام)، فلسفه و عرفان اسلامی علاقه‌مند هستند، این متون و مباحث می‌تواند در اولویت قرار گیرد.

۲-۳. مرجعیت سیاسی و فرهنگی

مرجعیت گفتمان سیاسی علویون ترکیه را می‌توان، با مذاقه در مواضع، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های درون حاکمیتی علویان در ترکیه واکاوی نمود و می‌توان به این نکته رسید که شناخت آنها پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است. آنها در دوران عثمانی به ویژه در شرایطی که ایدئولوژی حکومت عثمانی به لحاظ سیاسی و فرهنگی مطرح بود و در رقابت با صفویه به سر می‌بردند، عثمانی‌ها آنها را جاسوسان دولت صفوی ایران

می‌دانستند و در واقع آنها را شیعیانی معرفی می‌کردند که متمایل به سیاست‌های صفوی ایران شناخته می‌شدند از این رو هرگونه ارتباط و فعالیت آنها را با ایران و در داخل حکومت عثمانی منع کرده بودند. پس از فروپاشی عثمانی در پایان جنگ جهانی اول و تشکیل یک حکومت جدید در ترکیه در سال ۱۹۲۳ علویان توانستند گفتمان نوینی را مطرح نمایند. این گفتمان که در فضای باز سیاسی در آن متن مقطع انجام شد دولت جدید ترکیه اجازه فعالیت سیاسی و اجتماعی به آنها را اعطا نمود. (پرویز فر، ۱۳۹۹: ۳۶۵)

به دلیل کثرت جمعیت علویان و تاثیرگذاری این گروه و موقعیت ژئوپلیتیکی آنان در کشورهای جهان اسلام و همچنین تعاملات آنها با جمهوری اسلامی ایران بسیاری از ژئوپلسین ها نظیر توال معتقد هستند؛ اگر چه نمی‌توان رابطه به قدرت رسیدن علویان را در شکل‌گیری یک ژئوپلیتیک جدید مطرح نمود، اما نمی‌توان از ژئوپلیتیک جدید تشیع و رابطه علویان با جمهوری اسلامی ایران مسامحه نمود. (توال، ۳۷۹: ۵۴) اختلافات اعتقادی اهل سنت با علویان، همواره بسترسازی اختلاف سیاسی و فرهنگی و تبعیض بین آنها و اهل سنتی که مسلط بر حاکمیت ترکیه هستند وجود داشته و دارد.

درگیری علویان در دهه‌ی ۱۹۸۰م، که بزرگ‌ترین آنها حمله‌ی ژوئیه ۱۹۸۰م در قرق بود (Michael M. Gunter, 1990, pp.24-25)، منجر به کشته شدن تعدادی از علویان گردید. آنها در سال ۱۹۸۹م بیانیه‌ای صادر کردند که بر اصولی تأکید می‌نماید. این بیانیه هم اکنون نیز مورد تأکید آنها می‌باشد در این بیانیه مطرح شده است که فرقه علوی فرقه‌ای از اسلام موجود در ترکیه است و علیرغم وجود حدود ۲۵ درصد علویون در ترکیه آنان ریاست امور دینی ترکیه را فقط نماینده اسلام سنی معرفی نموده و آن را تنها نماینده اسلام می‌دانند دولت ترکیه علویان و حقوق آنان را همواره نادیده می‌گیرد و اظهار می‌دارد که ملت ترکیه سنی مذهب هستند. (فلاح، ۱۳۹: ۱۴۳)

همچنین در این بیانیه مبتنی بر ماده ۲۴ قانون اساسی ترکیه بر آزادی مذهب تأکید

داشته است و نیز برداشتن محل عبادت علوی و همچنین جلوگیری از ساختن مسجد سنی و امام جماعت سنی توسط دولت در مناطق علوی نشین و هرگونه تبلیغ و تدریس رسمی علوم دینی و همچنین جلوگیری از داشتن مدارس اهل سنت در آن مناطق تاکید شده است؛ اما در عمل چنین مواردی محقق نشده است. (اکبری، ۱۳۹۲: ۲۰۰) و علویون همواره از این سیاست دولت ترکیه اعتراض نموده است و این مسائل می‌تواند سبب نزدیکی علویون به ایران گردد.

البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه مخصوصاً در زمان اردوغان آنها به مراکز عبادی علویان نظیر جمع خانه که در آن مناسک اصلی علویان برگزار میشود از سوی حکومت به رسمیت شناخته شده است و این امر از سوی حزب عدالت و توسعه سبب شده است که امکان رسمیت یافتن جامعه علوی رو به افزایش پا نهد و از سوی حساسیت های آنان و یا ائتلاف آنان با کردها و شیعیان را کاهش دهد. (اکبری، ۱۳۹۲: ۲۰۱-۲۰۳)

در بعد چالش هایی که مرجعیت سیاسی و فرهنگی علویان را تهدید می نماید می‌توان از حضور و گسترش فرهنگ غربی یا همان تهاجم فرهنگی یا جهانی شدن نام برد. بر اساس گسترش علوم و دانش، دیگر نمی‌توان با پاسخ‌های قدیمی به سوالات جوانان پاسخ گفت؛ در واقع هویت جوان علوی دچار بحران شده است. در کنار این تهدید، فقدان مرجعیت سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها و عدم امکان وحدت بین علویان مطرح است، بخصوص در دورانی که دولت‌های اسلام‌گرا در ترکیه روی کار آمدند، زیرا دولت‌های اسلام‌گرا در ترکیه دارای گرایش‌های اهل سنت هستند و علویان دیدگاه خوبی نسبت به آنان ندارند، علت این بدبینی اولاً به خاطر اتفاقات تاریخی که منجر به تقیه و انزوای علویان گردید، به همین جهت به احزاب لائیک بیشتر گرایش دارند و ثانیاً دولت‌های اسلام‌گرا تلاش دارند تا علویان را در فضای اهل سنت قرار دهند و به گونه‌ای علوی و علوی‌گری را در جامعه ترکیه محو نمایند. ثالثاً احزاب اسلام‌گرای ترکیه و بخصوص اردوغان با موضع‌گیری‌های غیر شفاف و دوپهلوی، از علویان در

امور انتخاباتی برای تحریک اهل سنت به مشارکت گسترده‌تر جهت پیروزی در انتخابات، بهره‌برداری سیاسی می‌نماید. از سوی دیگر دولت ترکیه تمایلی به هویت‌یابی علویان ندارد، زیرا هرگونه هویت‌یابی و آگاهی علویان در خصوص خود موجب افزایش قدرت علویان در جامعه ترکیه و افزایش نفوذ قدرت برخی از کشورها می‌گردد. در بعد تهدیدات و چالش‌ها این موضوع نیز مطرح است که در مدارس ترکیه علوم دینی اهل سنت تدریس می‌شود، دولت ترکیه حتی با تغییراتی در کتاب‌ها و جایگزینی منابع جدید با قدیم در کتابخانه‌ها در صدد محو و تغییر علویان و شیعیان است و همچنین موافق همراهی و نزدیکی علویان و شیعیان نمی‌باشد، این مسائل و موضوعات چالش‌ها و موانع علویان در سطح ملی است.

با مذاقه در رویکرد سیاسی علویان می‌توان به این نتیجه رسید که هویت سیاسی آنها به علت فقر و محرومیت و مسائلی از این قبیل همواره از سوی حاکمیت سنی مذهب ترکیه در دوره عثمانی و بعد از آن دارای تغییرات اساسی بوده است. آنان در دوران عثمانی، مخالف منزوی، در دوران آتاتورک طرفداران نظام لائیک و در دوران پس از آتاتورک، شیفتگان احزاب چپ تلقی می‌شدند و در دوره‌ی حاضر نیز در تکاپوی هویت‌یابی سیاسی هستند و این امر سبب شده است از علویان، اقلیتی متأثر از شرایط و مقتضیات زمانه ساخته شود.

شاید بتوان تناقض در رویکرد و هویت سیاسی و نیز رواج محافظه‌کاری در بین علویان را ناشی از درصد جمعیتی نسبتاً پایین علویان در مقایسه با اهل سنت دانست. این امر سبب شده است که شیخ و بزرگ آنها، که به دهه‌ها معروف هستند و به نحوی مرجعیت دینی و سیاسی جوامع علوی را در دست دارند، در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با گفتمانی محافظه‌کارانه گام بردارند تا بتوانند در لبه‌ی آن جایگاه خود را حفظ نمایند.

۲-۴. مرجعیت اعتقادی

اعتقاد علویان بر آن است که پس از رحلت پیامبر ﷺ حق حضرت علی علیه السلام توسط

خلفای سه گانه غصب شده از این رو همواره آنها را دشمن و غاصب حق اهل بیت می‌دانند. (نوری، ۱۳۸۹: ۸۰) مبانی و اصول عقایدی علویان مثل شیعیان پنج مورد می‌باشد که عبارت هستند از: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد مباحثی نظیر عصمت، غیبت و ظهور حضرت نیز از جمله مواردی است که آنها بدان اعتقاد راسخ دارند. (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۸) با اندکی مسامحه می‌توان گفت علویان در فروع دین نیز آنچه را که شیعه اثنا عشری بدان معتقد است قبول دارند و در واقع به لحاظ فقهی خود را پیرو فقه جعفری می‌دانند. صالح بدرالدین نویان که از مهمترین رهبران علویان محسوب می‌گردد در کتابی تحت عنوان حضرت محمد ﷺ و جعفری‌ها بیان می‌دارد: "امروز مذهب جعفری مذهب حضرت محمد ﷺ و دوستان او است و نیز مذهبی که امامان حقیقی آن را ادامه دادند و توصیه کردند، این مذهب را به نام‌های جعفریه، اثنا عشریه و امامیه نیز خوانده‌اند. (نویان، ۱۳۸۹: ص ۶۹)

برخی اعتقاد علویان را که مبتنی بر محبت، ارادت و دوستی حضرت علی علیه السلام و اعتقاد راسخ به امامت ائمه علیهم السلام و اینکه تنها پیروان آن‌ها اهل نجات از دوزخ می‌باشند. (Oytan, 2010: 290) به اشتباه نوعی علی پرستی (علی الهی) علویان می‌دانند. بدرالدین نویان در رد انتساب علویان به علی الهی بیان می‌دارد که این فرقه در ترکیه هیچ ارتباطی با علویان ندارد. (دوئمر نوری، ۱۳۸۹: ۵۶) وی همچنین در رد کسانی که تثلیث را به علویان مرتبط می‌کنند بیان می‌دارد که "پدر، مادر و اجداد حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام معلوم‌اند و هیچ کدام هم ادعا نداشتند که از آسمان فرود آمده‌اند و باز به آسمان خواهند رفت. (Fiğlali, Ethem Ruhi, 1990 : 228 به نقل از: محمدزاده صدیق، ۱۳۹۳: ۵۶)

علیرغم اختلافات زیاد در نظام فکری اعتقادی و عبادی علویان، اما می‌توان با بررسی رویکرد آنها به دو نکته بسیار مهم اشاره نمود. اول اینکه آنها قطعاً مسلمان بوده و دوم اینکه آنها به طور حتم جزو اهل سنت محسوب نمی‌شوند. در واقع نظام فکری آنها با ارزش‌های اهل سنت در تضاد است. وجود این دو قدر متیقن نشانگر آن

است که اولاً: غلبه اعتقادات شیعی بر سایر اعتقادات دیگر مشهود است، در ثانی: بی‌خبری علویان از میزان مشترکات عقاید خود با شیعیان جعفری سبب عدم نزدیکی هویتی آنها شده است. ثالثاً: سعی و تلاش علویان برای حفظ مرز و فاصله‌گذاری با اهل سنت ترکیه همواره وجود داشته است. با این تفصیل می‌توان گفت علویان با تمام تنوعی که دارند، چه نصیری‌ها و چه بکتاشی‌ها و چه غیر از این‌ها، شیعه‌ی دوازده امامی محسوب می‌گردند. یعنی اعتقادات این‌ها راجع به امامت، خدا، نبوت و رسالت عین اعتقادات شیعیان است. متأسفانه امروزه آنها به خاطر فاصله افتادن و بریده شدن از علمایشان و به خاطر جدا شدن از منابع تامین‌کننده‌ی علمی - معنوی شیعه، از این منبع فاصله گرفته‌اند.

با مذاقه در اشعاری که در مدح ائمه معصومین علیهم السلام توسط شاعران علوی مسلک و همچنین آنچه در گفته‌ها و مکتوبات آنها دیده می‌شود، آنها نه تنها شیعه بودن را رد نمی‌کند بلکه بر مبانی مذهبشان و آنچه به عنوان مبانی و آموزه‌های شیعه است تأکید می‌ورزند، شاید بتوان اصلی‌ترین و جدی‌ترین علت فاصله شیعیان و علویان را محجوریت آنها از علوم شیعه دانست. آنچه به عنوان فرهنگ، هنجار و رسوم منطقه‌ای و بومی وارد ادبیات اعتقادی آنها شده، سبب گردیده که امروز شاهد تفاوت و بعضاً اختلاف بین علویان باشیم. یقیناً با یک برنامه ریزی منسجم می‌توان ادبیات اعتقادی آنها را در راستای پذیرش علوم شیعه و فقه آن تقویت نمود. در کنار محجوریت علمی علویان، می‌توان از ظلمی که در دوره عثمانی که از قرن شانزدهم میلادی علیه علویان ترکی روا شده بود و آنها را مجبور به تقیه کرده بود و این پنهانکاری سبب فراموشی و یا بعضاً تغییر نوع عمل عبادی تبدیل شده است. (فلاح، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰)

این محجوریت علمی و پنهان‌کاری و تغییرهای که از ترس عثمانی در اعتقادات و عبادات صورت گرفته ایجاد آسیب‌های همچون اعتقاد برخی از آنها به جایگاه الوهیت برای حضرت علی علیه السلام و نیز به اعتقاد برخی به تحریف قرآن در آیه

مربوط به حضرت علی که توسط عثمان حذف شده می‌باشند. شیخ علی عزیز ابراهیم که از مهم‌ترین معتقدان و محققان علوی محسوب می‌گردد در کتاب "العلویین فی دائره الضوء" معتقد است که علویان اصول اعتقادی‌شان منطبق با شیعه می‌باشد. ایشان علت انحراف علویان را گوش‌گیری، دوره از مراکز شهری و فرهنگی، محرومیت جهل و انحراف علویان ذکر می‌کند. (جواد، ۱۳۸۲: ۱۵)

در یک جمع بندی می‌توان گفت، در مساله اعتقادات علویان ترکیه دو رویکرد وجود دارد، رویکرد اول مبتنی بر این است که علویان ترکیه از نظر اعتقادات مکتوب ۹۸ درصد شبیه شیعیان هستند. در دوران غیبت به جای نظام اجتهاد و تقلید، تابع نظام مرشد و مرید و تصوف بوده‌اند و همچنان بر آن باقی هستند. رویکرد دوم معتقد است که اعتقادات علویان ترکیه برگرفته از مکتب تشیع نیست، بلکه ترکیبی از سه منبع: آموزه‌های شیعه، باطنی‌گرایی اسماعیلیان و جریان‌های باطنی خراسانی و آموزه‌های دینی ترکان قبل از اسلام می‌باشد که رفتار علویان امروز ترکیه را شکل داده است.

در نظام اعتقادی علویان نسبت به محرم شاهد هستیم که آنها برنامه‌های مفصلی دارند که از جمله آن می‌توان به روزه گرفتن، غسل کردن، خواندن اوراد خاص، خواندن قرآن و دعا همراه اشاره نمود. علویان از عوام گرفته تا خواص، به ماه محرم خیلی اهمیت می‌دهند و در هر فرصتی به این عمل افتخار می‌کنند. در کتاب‌های مختلف علوی، درباره کیفیت مراسم ماه محرم توضیحات زیادی بیان شده است. علویان ۱۲ روز بعد از عاشورا را روزه می‌گیرند به شکرانه این که امام سجاد شهید نشده و نسل امام حسین قطع نشده است. (جمالی، ۱۳۹۱: ۱۴۶) آنها به عشق ائمه معصومین علیهم‌السلام که در راه اسلام شهید و فداکاری نمودند، دوازده روز روزه و ماتم می‌گیرند، یک روز قبل از ماه محرم تمام افراد خانواده به حمام می‌روند و غسل می‌کنند. بعد از غسل لباس‌هایی که رنگ ماتم دارد می‌پوشند و اغلب در جمع خانه‌ها برای عزاداری گردهم می‌آیند.

۲-۵. مرجعیت عرفانی و اخلاقی

عرفان و اخلاق دو مقوله‌ی اساسی در علوم اسلامی به شمار می‌رود و آن دو چنان در یکدیگر گره خورده‌اند که گمان می‌رود هر عارف، انسانی اخلاقی بزرگ است و همین‌گونه گمان می‌رود که هر شخص اخلاقی، عارفی به تمام معناست و همه‌ی مراحل سیر و سلوک را طی کرده است (حسینی، ۱۳۸۶). با مذاقه در کتب، مکاتبات و سخنرانی‌های علویان، نقش عرفان و اخلاق را بسیار برجسته می‌بینیم (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۵). در بررسی بُعد اخلاقی علویان، اگر چه ریشه‌ی آنان را می‌توان در آناتولی اسلام ذکر کرد، ولی منبع اخلاق‌گرایی در علوی‌گری زمانی رشد نمود که افکار حاج بکتاش ولی، مولوی، پیر سلطان ابدال، ختایی و نسیمی و امثال آنها بر حوزه‌ی تفکر و اندیشه‌های آنها نفوذ پیدا کرد. یکی از مباحث فلسفه‌ی اخلاقی که حاج بکتاش ولی مطرح می‌کند و در بسیاری از سخنرانی‌ها، کتب، نشریات و مقالات علویان به چشم می‌خورد، این جمله است که: «دست و زبان و عفت را، آش و کار و همسرت را، ذات و چشم و حرفت را حفظ کن» (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۵-۱۵۶).

در کنار اعتقاداتی که علویان دارند، آموزه‌های عرفانی نیز نقش مهمی داشته، شریعت همواره با طریقت همراه بوده است. این همراهی گاه موجب شده است تفسیرهای نادرستی از التزام علویان به شریعت و مسائل فقهی شود. این امر سبب گردید در میان علویان جریانی انحرافی شکل بگیرد که با سوءاستفاده از آموزه‌های عرفانی در پایبندی خود به شریعت، سستی نموده، نماز، روزه، حج و دیگر احکام شریعت را به بهانه‌ی وارد شدن در مرحله‌ی طریقت کنار نهادند (نوری، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۰۸).

می‌توان با نگاه عرفانی، از تأثیرگذاری و نقش شعرا در ترویج علوی‌گری نام برد. علویان در تاریخ پرفراز و نشیب خود شعرای زیادی داشته‌اند که در پیشبرد اندیشه‌ی علوی‌گری نقش حساسی ایفا کردند، ولی بین شعرای نامدار علوی، جایگاه هفت شاعر نزد علویان با هیچ شاعر دیگری در خور مقایسه نیست. علویان عنوان «هفت

شاعر بزرگ و مقدس علوی» را برای این هفت تن انتخاب کرده‌اند این هفت شاعر بزرگ و مقدس علوی عبارت‌اند از: عمادالدین نسیمی، فضولی، یمنی بابا، شاه اسماعیل خطایی، ویرانی بابا، پیر سلطان ابدال و غول همت، این هفت شاعر بزرگ علوی با اشعار ماندگار خود علوی‌گری را به شایستگی گسترش دادند و میراث فرهنگی علوی را به نسل‌های بعد منتقل کردند. به همین دلیل، در میان علویان تقدس خاصی یافتند و بر نسل‌های بعد از خود تأثیرات بسزایی گذاشتند. (عبداللهی و کجداغ، ۱۳۹۷: ۹۲-۷۳)

با وجود ادعای شیعه دوازده امامی بودن علویان، آنان در سالیان متمادی دارای مرام عرفانی بوده، به واجبات دینی مانند نماز اهتمام نمی‌ورزند. در واقع می‌توان گفت علویان رغبت زیادی برای پذیرش و شنیدن واجبات دینی ندارند و از قبول آن فراری هستند یا به عبارت دیگر، آنان بیشتر شریعت‌گریز هستند. متأسفانه، علویان به جای استفاده از رویکرد عرفانی و اخلاقی برای تعبد بیشتر و توجه هر چه افزون‌تر به تکالیف الهی، طریقت‌مداری را انتخاب نمودند و این، چالشی برای علویان به شمار می‌رود، زیرا بروز تکلیف، جایگزین‌بردار نیست و بی‌توجهی به آن موجب انحراف و سلیقه‌گرایی است؛ از این رو، برای نیل به سعادت ضرورت دارد در عمل به دستورات الهی و آموزه‌های مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام تک‌بعدی عمل ننمایند.

۲-۶. مرجعیت شفاهی (باطنی‌گری)

علویان جایگاه معنوی بزرگی برای امام معصوم قائل بوده و هستند. آنها بر این عقیده‌اند که امور حکومتی دون‌شان امام است و از آنجا که با عقاید صوفیه آمیخته شدند، ماهیت باطنی‌گرایی و طریقت‌محوری در آنان شدت پیدا نمود (فلاح، ۱۳۸۵: ۱۹). علویان تا کنون میراث فرهنگی، دینی و اعتقادی خود را بصورت سینه‌به‌سینه، از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند. همانطور که در بخش‌های قبل مطرح شد آنها چندان قائل به احکام فقهی و آموزش آن نمی‌باشند. آنها به دلیل اینکه در مناطق مختلفی از کشورهای جهان زندگی می‌کنند و متأثر از تحولات سیاسی-اجتماعی و

دیگر عقاید می‌باشد، همواره دارای عقاید، باورها و رسوم متفاوت می‌باشند. حاکمیت مرجعیت شفاهی و مشی باطنی‌گری در بین علویان سبب شده است هویت اصلی آنها در انتقال از یک نسل به نسل دیگر دچار آسیب و تحریف گردد. از آنجا که انتقال اعتقادات و باورهای هر جامعه از نسلی به نسل دیگر را باید با انتقال هویت دانست، هویت یعنی ارزش‌ها و فرهنگ اقوام و ملل که از نسلی به نسل دیگر غالباً از طریق آموزش، رسانه، مراسمات و آیین‌ها و ... منتقل می‌گردد. (رضایی و همکاران، ج ۱، ۱۳۹۴: ۳۰۱-۲۹۹)

علویان، تاکنون، به صورت آموزش رسمی به انتقال هویت و فرهنگ خود اقدام ننموده‌اند و در محیط لائیک پیرامون مجبور به یادگیری آموزش‌های رسمی غیرعلوی بودند و آسیب‌های زیادی را از این محیط با تغییر آموزه‌های فرهنگی دریافت نمودند. با این حال، در چند دهه‌ی اخیر به دلیل حوادث سیاسی اجتماعی که در ایران، ترکیه و منطقه رخ داده است، به سمت بازیابی هویت خود حرکت نموده‌اند و این موضوع آموزش علویان را بیش از گذشته ضروری ساخته است. علویان علاقه‌مند هستند که از گذشته و تاریخ، داشته‌های علمی، علما و منابع دینی خود آگاهی پیدا نمایند و به اصل و هویت خود برسند، ولی درباره‌ی انتقال فرهنگ و ارزش‌های هویتی آنها به صورت آموزش، کتاب و آثاری وجود ندارد، بیشتر به صورت شفاهی بوده، نظام آموزشی رسمی وجود ندارد.

این که هویت یابی بر چه اساسی باشد و اینکه چگونه نقش خود را بیابند به نحوی که در سیاست و اجتماع موثر واقع گردند، خوشبختانه امروزه علوی‌ها به یک خودباوری رسیدند که ما می‌توانیم در امور مختلف نقش داشته باشیم و در این میان انقلاب ایران نیز بسیار موثر بوده است. آنها درصدد هستند با هویت یابی، در سیاست و مسائل کلان فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار باشند و می‌خواهند هر چیزی را که در قرون اخیر از دست دادند، به دست آورند. آنان در تلاش‌اند با بازیابی هویت علوی با همان نقش علوی‌گری، در جامعه مطرح باشند. وقتی این احساس در بین علویان

آغاز شد، بی‌شک دنبال یادگیری و آموزش مهمات دینی خواهند رفت و این بسیار مغتنم است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های تاریخی سرگذشت علویان، به ارتباط، قیام، جنگ و سرکوب آنها به دست حکومت عثمانی برمی‌گردد که در زمان صفویه به اوج رسیده بود و بعدها ادامه یافت. در دوره‌ی معاصر و به ویژه در زمان کنونی، با توجه به آگاهی‌های روزافزون علویان و فضای بازی که برای فعالیت آنان در ترکیه فراهم شده، نوعی هویت‌یابی به وجود آمده است و در برپایی مراسم و شعائر شیعی در ترکیه نمود دارد (جمالی فر، ۱۳۹۱، ص ۹-۱۵).

هویت‌یابی و احیای آن منجر به حضور در عرصه‌های گوناگون سیاسی اجتماعی جامعه می‌گردد. روحانیون علوی ضمن ارتباط با مجامع دیگر مانند ایران اسلامی - که به احیای هویت دینی خود پرداخت - درصدد آموزش‌های بیشتر، بهتر و گسترده‌تر خواهند شد و گروه‌های بیشتری از علویان به ایران خواهند آمد. همه‌ی اینها نشانه‌ی آن است که علویان آموزش‌پذیر هستند. در حقیقت، علویان شیعه‌ی جاهلِ قاصر گذشته، به شیعیان آگاه تبدیل شدند و در بین آنها دده‌های علوی آگاه داریم که امکان تبدیل علوی شریعت‌گریز به علوی شریعت‌پذیر را به وجود آورده است.

علویان در این مرجعیت شفاهی و باطنی‌گری با چالش‌ها و موانع زیادی روبه‌رو بودند. شاید بتوان یکی از اساسی‌ترین چالش‌های مرجعیت شفاهی را نبود مراکز فرهنگی آموزشی و پژوهشی منسجم بین علویان دانست. این مسئله سبب شده است که مسائل و موضوعات علویان را مبتنی بر منابع و متون آنان مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و آموزه‌های علوی را با رویکرد علمی به نسل بعدی منتقل نماید تا هویت علویان باز یابی شود.

نتیجه‌گیری

شاید بتوان مهم‌ترین مسئله و چالش علویان را در شش سده‌ی اخیر در آسیای صغیر و شامات و به ویژه ترکیه، تنازع بقا در هویت به دلایل شرایط محیطی، اجتماعی و سیاسی دانست. این موضوع موجب دورافتادگی آنان از ارزش‌ها، باورها و بیگانگی با تقید به اعمال و تکالیف الهی گردیده است؛ بنابراین، به منظور احیای هویت اصیل علوی، که همان هویت شیعی است، بیداری و آگاهی به گذشته و تحولات انجام گرفته، امری بدیهی و روشن به نظر می‌رسد. لازمه‌ی بیداری و آگاهی، شناخت گذشته و حال و برنامه‌ریزی دقیق برای آینده است. دستیابی به آینده‌ی امیدوار و ساختن آن، مستلزم یادگیری، آموزش، شناخت از گذشته علمی و هویتی و تلاش در این راه است.

با توجه به ضعف آشنایی با معارف دینی در بین علویان در سطوح مختلف و نیز با عنایت به مطالبات متعدد به منظور آموزش معارف دینی به ایشان و همچنین نظر به نبود مرکز آموزشی مستقل برای ارائه‌ی آموزه‌های دینی به علویان، آموزش معارف دینی به علویان ضروری به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، این مهم از نظر تاریخی، حساسیت‌ها و ظرافت‌های موجود بین جامعه‌ی علویان نیازمند بررسی و تحلیل جوانب موضوع است. شناسایی مخاطبان و نیازهای آنان، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌ها و تهدیدها، تبیین اهداف و ضرورت‌ها، تعریف سیاست‌های مورد نظر، پیشنهاد مکان مناسب و مزایا و معایب مکان‌های گوناگون و همچنین تعیین شیوه‌ی آموزش و الزامات مورد نیاز، جزو مباحثی برشمرده می‌شود که نیازمند تبیین و ارائه است و سعی گردید در این پژوهش بدان بپردازیم.

در این مقاله، سعی گردید با توجه به تبیین و واکاوی گروه‌های مرجع در بین علویان ترکیه، چالش‌های آن نیز بیان گردد. به نظر می‌رسد برای حل مشکل گروه‌های ششگانه‌ی مرجع در بین علویان ترکیه، می‌توان از راه تعاملات علمی و آموزشی، همه‌ی تهدیدات، چالش‌ها و آسیب‌های مرجعیت‌های اعتقادی، سیاسی، فرهنگی،

علمی و آموزشی را حل نمود. این مقاله به منظور پاسخ به این پرسش که «نقش گروه‌های مرجع در آینده علویان ترکیه چیست؟» تدوین گردید. برای تبیین این پرسش تلاش شد شش مرجعیت سیاسی- فرهنگی، علمی، اعتقادی، شفاهی و عرفانی- اخلاقی و دینی- مذهبی در مورد علویان ترکیه مورد کند و کاو قرار گرفته، مباحثی در آن زمینه مطرح گردد، ولی هر یک از این مراجع و گروه‌های ششگانه دارای چالش‌هایی بود که مفصلاً بدان پرداختیم.

به نظر می‌رسد برای مقابله با آسیب‌ها و چالش‌ها و نیز به منظور توانمندسازی، ارتقای آگاهی و برگشت دادن علویان به هویت و اصل خویشان در حوزه‌های دینی، اعتقادی و... ضرورت دارد آنان از نظر علمی ارتقا یابند. اگر چه باطنی‌گری، نبود منبع و استادان مسلط، کار را برای پیشبرد اهداف سخت نموده است، ولی بدون تردید، برای تقویت مرجعیت‌های مذکور در بین علویان چاره‌ای جز خودآگاهی علمی علویان وجود ندارد و این مهم را می‌توان با کادرسازی و تربیت نیروی انسانی عالم و متعهد از درون جامعه‌ی علوی محقق نمود و به نتیجه رسانید. البته برای تحقق این موضوع می‌توان از ظرفیت مراکز و مؤسسات ایرانی مانند جامعه‌المصطفی، امور بین‌الملل دفتر رهبری، سازمان فرهنگ و ارتباطات و مجمع جهانی اهل‌البیت علیه‌السلام نیز استفاده نمود.

منابع

۱. اجاق، احمد یاشار، از عصیان باباییان تا قزلباشگری، ترجمه‌ی شهاب ولی، فصلنامه‌ی تاریخ اسلام، ش ۲۷، سال ۱۳۸۵.
۲. اکبری، نورالدین، تحولات سیاسی و اجتماعی علویان ترکیه، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهاردهم، ش ۳، پیاپی ۵۵، پاییز ۱۳۹۲.
۳. پیروزفر، مهدی، یوسف، ترابی، سیدعلی مومنی، تحلیل گفتمان علوی در ترکیه معاصر، دوفصلنامه‌ی علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره‌ی ۸، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۴. توال، فرانسوا، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه‌ی علیرضا قاسم‌آقا، نشر آمن، ۱۳۷۹.
۵. جمالی‌فر، مهدی، علویان ترکیه شیعه هستند؟ نیم‌نگاهی به تاریخ و عقاید علوی - بکتاشیان ترکیه، ماهنامه‌ی زمانه، ش ۲۹ و ۳۰، دی و بهمن ۱۳۹۱ ش.
۶. جمالی‌فر، مهدی، مقدمه‌ای بر شناخت جامعه‌ی علویان ترکیه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
۷. جمالی‌فر، مهدی، علویو الاناضول (تاریخهم و عقایدهم)، مجله‌ی اهل البیت (علیهم‌السلام)، ش ۱۹، کربلا، عراق، ۱۴۳۷.
۸. جوادی، قاسم، نصیری، علویان و شیعه‌ی اثنا عشری، فصلنامه‌ی طلوع، ش ۵، پاییز ۱۳۸۲.
۹. حسینی، منصوره، رابطه‌ی اخلاق و عرفان اسلامی، مجله‌ی معارف، ش ۵۳، بهمن ۱۳۸۶.
۱۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، جمهوری ترکیه، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
۱۱. رضایی، حسن و همکاران، شیعیان (شیعه از آغاز تاکنون)، ج ۱، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۴.
۱۲. رضوانی‌فر، اسماعیل، کتاب ترکیه، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ۱۳۹۰.
۱۳. رئیس‌نیا، رحیم، بدرالدین مزدکی دیگر، ج ۱، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۱.
۱۴. زمانی محجوب، حبیب، جریان‌شناسی علویان سوریه، فصلنامه‌ی تبلیغی - بصیرتی پیام، ش ۱۲۱، ۱۳۹۵.
۱۵. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل والنحل، ج ۸، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، قم، ۱۳۷۷.

۱۶. شهبازی عبدالله، بکتاشیه و عشاق صهیون، نشریه‌ی تاریخ، فصلنامه‌ی زمانه، سال دوم، ش ۱۵، آذر ۱۳۸۲.
۱۷. عبداللهی، رسول و ابوالفضل کجاداغ، جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان ترکیه با محوریت دیوان هفت شاعر بزرگ علوی، شیعه‌پژوهی، ش ۱۵، ۱۳۹۷.
۱۸. فلاح، رحمت‌الله، علویان ترکی در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی، نشریه‌ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۵.
۱۹. فلاح، رحمت‌الله، ماهیت‌شناسی جنبش ضد اردوغان در ترکیه، فصلنامه‌ی ۱۵ خرداد، سال ۱۰، ش ۳۶، تابستان ۱۳۹۲.
۲۰. قاسمی، محمدعلی، تأثیر علویان بر سیاست ترکیه معاصر، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۲۱. قرائی مقدم، امان‌الله، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، ابجد، چ ۱، ۱۳۷۴.
۲۲. کوئن بروس، مبانی جامعه‌شناسی، سمت، چاپ پاییز، تهران، ۱۳۷۳.
۲۳. محمدزاده صدیق، حسین، حاجی بکتاش ولی و متون بکتاشیه، قم، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳.
۲۴. مرادیان، محسن، آشنایی با کشور ترکیه، تهران، راشا، ۱۳۸۴.
۲۵. مقدم، علیرضا، علویان و بکتاشیه ترکیه و تأثیر احتمالی آنها در برآورد استراتژیک ایران نسبت به ترکیه، نشریه‌ی جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه‌ی بین‌الملل، ش ۱۶، تابستان ۱۳۹۶.
۲۶. نواب، سیدابوالحسن و متقی حسین، رهیافتی بر مسئله‌ی امامت و ولایت در نگره‌ی طریقت بکتاشیه (با تأکید بر میراث مکتوب بکتاشیه در ترکیه)، شیعه‌پژوهی، سال پنجم، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۲۷. نورالدین، محمد، ترکیه؛ جمهوری سرگردان، ترجمه: سیدحسین موسوی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۲.
۲۸. نوری دونمز، علویان ترکیه، مجله‌ی طلوع نور (طلوع)، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۴.
۲۹. همان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ ش.
۳۰. همان، نشریه‌ی پژوهشنامه‌ی حکمت و فلسفه‌ی اسلامی، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۴.
۳۱. واحدی، الیاس، علویان ترکیه؛ ارزیابی وضعیت اجتماعی و سیاسی، تهران، انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۹۴.

۳۲. ولی، شهاب، نگاهی به متون مذهبی علویان- بکتاشیان آناتولی، فصلنامه‌ی جاویدان خرد، ش ۱۲، ۱۳۸۸.

۳۳. هاشمی، سیدعباس، هویت و جایگاه سیاسی علویان ترکیه، فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱.

34. Oytan, M. Tefvik (2010), Bektaşiliğin İçyüzü, Dibi – Köşesi – Yüzü ve Astarı Nedir? İstanbul: Demos Yayınları, 2nd Edition.
35. Türkdoğan, O. (۱۹۹۵). Alevi-Bektaşî kimliği: sosyo-antropolojik araştırma (Vol. ۱۷). Timaş Yayınları.
36. Üzümlü, İ. (۱۹۹۷). Günümüz Aleviliği (Vol. ۱). Türkiye Diyanet Vakfı.
37. Fiğlalı, Ethem Ruhi (1990). Türkiyede Alevilik ve Bektaşilik.
38. Michael M. Gunter, (۱۹۹۰) The Kurds in Turkey, A political Dilemma, westview special studies on the Middle East, Westview press, Boulder.